

استراتژی و تاکتیک در نبردهای پیامبر (۲)



چون سربه که جمع آن سرایا میشود، از سری، است به معنای شبانه حرکت کردن به صورت گشت های اطلاعاتی.

سبحان الّٰی اسری بعبدہ لیلاً - (سوره الاسری - آیه ۴) لقت آسری در این آیه شریفه به معنی حرکت شبانه است، یعنی خداوند شبانه بنده اش پیامبر را از مسجدالحرام به مسجدالاقصی حرکت داده است. در اینجا منظور از سربه بخش گشتی و بخش اطلاعاتی سپاه، یعنی تکمیل کننده بخش عملیاتی است که به صورت غزوه انجام میگرفته است. غزوات حرکات نظامی منظمی بود که به قصد حمله و ضربه زدن و یک سره کردن کار بیرون می آمدند. و مقدمات غزوات را سربه ها و گشت های اطلاعاتی تشکیل داده بودند آنجایی که لازم بود

و سپاهی از نور با اندیشه ای مبتنی بر وحی و با بیش از ملهم از وحی حرکت درآمد و از عربستان هم فراتر رفت و جهان را در بر گرفت و نشر کلمه حق کرد. اینجاست که باید مقدمات آشنایی پیدا کنیم با شیوه هایی که خود پیامبر در عربستان رایج کرده اند و نوعاً تا آن زمان وجود نداشته است. بطور اجمال میشود گفت که چند روش را پیامبر در هر جنگ و غزوه بکار میبردند (بجز سرایا - که بیشتر اطلاعاتی بود و تشکیل می شد از سپاهانی که برای شناسایی و بیشتر بخاطر اطلاعات می رفتند) در غزوات که بیشتر برخوردار بودند و سپاه بقصد برخورد از مدینه خارج می شد، این شیوه ها معمول بود و بکار میبستند.

تمرکز قوا شیوه ابداعی پیامبر (ص) در نبرد

یکی از شیوه هایی که پیامبر بکار میبرد، تمرکز قوا در یک نقطه بود، به چه معنا؟ به این معنا که یک سپاه اندک را که با آن کیفیت پیامبر بنیاد نهاده بود و مبتنی بر مکتب و معتقد به وحی و بیش از وحی بود، بصورت یک اهرم قدرت، متحرک و بسیار قوی در یک نقطه متمرکز میکردند برای زدن ضربه نهایی و از همان جا قبل از آنکه دشمن فرصت تنظیم سپاه و ارتباط ضربه زدن را داشته باشد، ضربه را خورده بود، در جنگها (ما بعداً توضیح خواهیم داد که قوا به چه شکلی انجام میگرفت) اجازه بهم پیرستن سپاه شرکت را از میان می برد و هیچگاه این امر در تاریخها به گواهی متون سیره و

در شماره گذشته، بخشی از سرایا و غزوات و چگونگی این نبردها عرض شد. در این جلسه باید شیوه های جنگی و نخستین نبردی را که پیامبر با شرک و کفر و خودپرستی آغاز کرد، عرض بکنیم. هدف در ارائه این نمونه ها از تاریخ اسلام این است که خطوطی روشن شود که در آن خطوط ما بتوانیم به مقایسه ای برسیم. و بتوانیم گذشته ای که بی ارتباط با حال نیست و حالی که ریشه در گذشته دارد را بشناسیم و ارزیابی کنیم. چرا که این تاریخ

*** هر حرکتی که در بدو اسلام شروع شد تا همیشه ادامه خواهد داشت بدین لحاظ ما باید، برخوردارها و شیوه های جنگی پیامبر را در رابطه با مشرکین بخوبی بدانیم.**

اطلاعات برای حمله ای بدست بیاید «سربه انجام میشود. در سربه خود پیامبر مستقیماً شرکت نمیکنند، بلکه کسی را به نیابت از طرف خود میفرستادند ولی در غزوه مستقیماً خود شرکت میکردند جز در بعضی از غزوات (در اغلب غزوات خود شرکت کرده، در بعضی غزوات خود شرکت نکرده اند و در ۹ غزوه هم خودشان شخصاً جنگیده اند) با این کیفیت سپاه عملیاتی از اطلاعات کافی برخوردار بود. دیگر احتیاجی به شناسایی مکان و موقعیت سوق الجیشی و نقطه و زمین و اطلاعات و سندداشت.

«پیش دستی در ضربه» شیوه ای دیگر در نبرد

اساس فرماندهی همه از قبل مشخص شده بود مسئله فقط مسئله حمله بود و ضربه پیش دستی نسبت به حریف، صفت دیگر جنگهای پیامبر بود. پیش دستی به چه معنا؟ در بخش اطلاعات پیامبر همیشه پیش دستی میکرد. یعنی نخستین حرکت مشکوک را از مکه یا از هر نقطه ای از عربستان که میخواست علیه اسلام شروع شود، پیامبر این اطلاعات را به وسیله خبرگیران و خبر رسانان دریافت می کرد و قبل از اینکه نخستین حرکت مشکوک

مفازای و منابع معتبر تاریخی دیده نشده که قبل از اینکه سپاه شرکت خودش را متشکل بکند و بتواند خود را برای ضربه آماده کند، پیامبر مجال این ضربه و حمله را به داده باشد! این امر همراه با اطلاعات و دقتی بود که در کسب اطلاعات و خبرگیری در بخش سرایا انجام میگرفت.

سپاه اسلام در دو بخش وارد عملیات میشد: الف - بخش شناسایی که بصورت «سربه» عمل میکرد، ب - بخش عملیاتی که به صورت «غزوه» عمل میکرد. (اگر بتوان اینگونه اسم گذاری کرد.

هیچگاه انقطاع نمیپذیرد. هر حرکتی که در بدو اسلام شروع شد تا همیشه ادامه خواهد داشت. بدین لحاظ ما باید برخوردار و شیوه های جنگی پیامبر را در رابطه با مشرکین بیان کنیم. قبل از اینکه وارد جنگ بدر بشویم ناچاریم که بطور اجمال روش های جنگی پیامبر را عرض کنیم و ببینیم که این روش که در عربستان با پیامبر بزرگوار شروع شد چگونه است؟ میدانیم (به گواهی متون و اسنادی که موجود است) که این روش سابقه قبلی نداشته ولی باید دید چگونه ستوان فقرات شرکت و کفر را در هم شکست

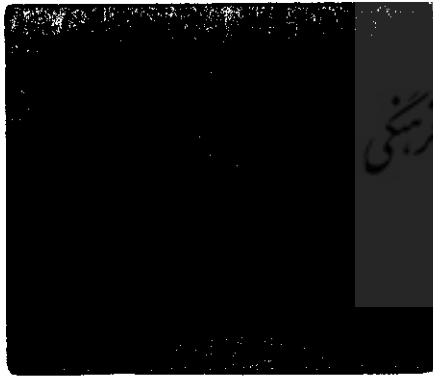
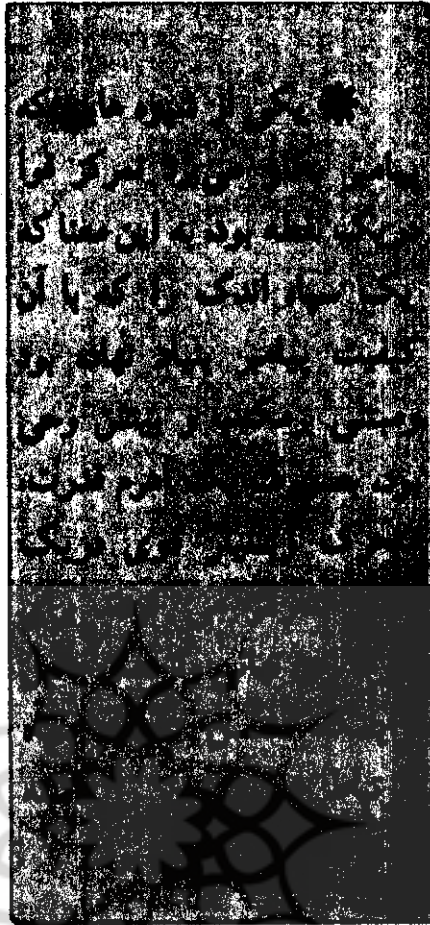
به نطفه پیوندند و بتواند به صورت توطئه خودنمایی کند پیامبر خودش را آماده کرده بود. بنابراین این پیش دستی چه در قسمت تشکیلات و چه در قسمت اطلاعات و چه در قسمت عملیات همیشه با پیامبر بود.

«تسلط بر نیرو و امکانات دشمنی» تاکتیکی نوین در جنگ

یکی دیگر از کارهایی که پیامبر انجام داد و تا آن زمان در شبه جزیره وجود نداشت تسلط بر نیرو و امکانات مالی دشمن بود. پیامبر خوب میدانست که کاروان تجاری قریش که با این قدرت و امکانات وسیع از مکه به سوی شام حرکت میکند و بالعکس از شام به سوی مکه و مال التجاره فراوانی که از آنجا به اینجا و از اینجا به آنجا میرد، هر روز بر قدرت نظامی و نیرو ابراز و تکنیک ارتش دشمن می افزاید و از اینطرف بسیاری از قبایل بدوی که بین راه کاروان رو بودند، طبعاً اینها می بایست مزدور قریش میشدند. پس نخستین ضربه ای که

نوین «نبرد»

میتوانست هم موقعیت نظامی قریش را از هم بپاشد و هم بتواند این افراد مزدور یا سمیات را در شبه جزیره از بین ببرد که به صورت بدوی وارد عمل میشدند - این بود که کاروان را از حرکت و فعالیت بیاندازد. یعنی به نوعی ضربه را وارد بر کاروان کند. اگر کاروان از کار می افتاد، حساب بت و بت پرستی تمام شده بود. قدرت قریش از بین رفته بود. اربابان حساب خودشان را در شبه جزیره کرده بودند! بنابراین ابوجعل (و دیگران) دیگر نمی توانستند با قدرت «بت» (به قول خودشان) به عنوان سمبل برای رسیدن به مطامع خاص دنیوی اش بر دیگری حکومت کنند. این حساب شده بود، که پیامبر بر منابع مالی آنها مسلط شود. پس بنابر این شما می بینید که سریه ای برای تعقیب کاروان قریش آماده شد و سرایای بعی «سریه بعدا... بن جحش»، «سریه حضرت حمزه» و... همه برای همین امر بود و اغلب هم موفق شدند، یعنی توانستند کاروان را به خطر بیندازند و بعضی وقتها حتی کاروان را بگیرند و مصادره کنند. پس می بینید که سعی بر این بود که آن امکانات اقتصادی و مالی دشمن را که میتوانست به صورت ابزار و به صورت سلاح جنگی در اختیار دشمن باشد و به صورت مستقیم ضربه بر مسلمین وارد کند، از کار انداخت و از بین برد. این یکی از خصایصی بود که در جنگها رعایت میشود و در جنگ «بدر» و «احد» مثلاً «خود جنگ» «بدر» که در شماره آینده مطرح خواهد شد، براساس همین طرح عمل شد. یعنی به خاطر کاروانی بود که پیامبر



گفتند «این کاروان باید بدست مسلمین بیفتد و آنها (صاحبان و مدافعان کاروان) برای دفاع از کاروان تجارتی بیرون آمدند و جمع شدند. ادامه دارد

- ۱ - سریه: به دسته ای از سپاه گویند که به طور پنهان و شب هنگام به قصد دشمن حرکت می کنند. پاره ای از مورخین گفته اند، منظور از سریه جنگی است که پیامبر شخصا در آن حضور ندارند، بر خلاف غزوه.
- ۲ - به خبرگران و خبررسانان «عین» می گفتند و جمع آنان «عیون» است.

